



- سرشناسه : غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ ق.
- Mohammad ibn Mohammad Ghazzali
- عنوان و نام پدیدآور : الرد الجمیل لالهیه عیسی بصریح الانجیل (پاسخی درخور به مسئله الوهیت عیسی (ع) با استناد به انجیل) ابو حامد محمد غزالی، تصحیح و ترجمه محمدرضا عدلی.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری : چهل و دو، ۲۴۰، 7 ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۴۰۶. علوم و معارف اسلامی؛ ۸۲.
- شابک : 978-600-203-307-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : عیسی مسیح
- موضوع : Jesus Christ
- موضوع : تثلیث - دفاعیه ها و ردیه ها
- Trinity-Controversial Literature
- مسیحیت - عقاید
- Dogma
- خداشناسی (مسیحیت)
- God (Christianity) - Knowableness
- شناسه افزوده : عدلی، محمدرضا، ۱۳۵۷ - ، مترجم
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : BT ۱۱۵
- رده بندی دیویی : ۲۳۱/۰۴۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۹۲۹۹۰
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

الرد الجميل

للإمام عيسى بن صالح الجليل

(پاسخی در خور به مسئلہ الوہیت عیسیٰؑ با استناد بہ انجیل)

ابو حامد محمد دغزالی

(۴۵۰-۵۵۰ھ)

تصحیح و ترجمہ

محمد رضا عدلی



الرَّدُ الْجَمِيلُ

لِلْإِهْيَةِ عِيسَى بِصَرِيحِ الْإِنْجِيلِ

(پاسخی درخور به مسئله الوهیت عیسی^(ع) با استناد به انجیل)

ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ.)

تصحیح و ترجمه: محمدرضا عدلی

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

خوشنویسی عنوان روی جلد: احمد عبدالرضایی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۴

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۳۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۰۳ - ۳۰۷ - ۹

چاپ (دیجیتال): میراث

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش.پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است



دریایی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خلی خلی موج می زند. این نسخه با حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامه ایرانیان است. برعمده هیرنلی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و موابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باهمه کوششی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیع در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند آفشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله علمی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تبیع مجد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب و رساله های علمی و فنی ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد و نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقمندان به دانش و فرهنگ همی در نشر میراث مکتوب داشته باشد مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکسب ایرانی
دیرعال مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

مقدمه	یازده
الوهیت عیسی	دوازده
نسخه‌های خطی الرد الجمیل و هویت مؤلف آن	هفده
خلاصه الرد الجمیل	بیست و چهار
۱- مقدمه	بیست و چهار
۲- تفسیر فقراتی از انجیل یوحنا و مرقس	بیست و پنج
۱-۲- فقره نخست	بیست و پنج
۲-۲- فقره دوم	بیست و پنج
۳-۲- فقره سوم	بیست و شش
۴-۲- فقره چهارم	بیست و هفت
۵-۲- فقره پنجم	بیست و هفت
۶-۲- فقره ششم	بیست و هفت
۳- مسئله اتحاد به روایت سه فرقه مسیحی	بیست و هشت
۱-۳- رأی یعقوبیان	بیست و هشت
۲-۳- رأی ملکیان	بیست و هشت
۳-۳- رأی نسطوریان	بیست و نه
۴- القاب عیسی ^(ع) در کلام مسیحیان	بیست و نه
۱-۴- خدا (اله)	بیست و نه
۲-۴- پروردگار (رب)	بیست و نه
۳-۴- پسر	بیست و نه
۵- تفسیر سه فقره از انجیل یوحنا	سی
۱-۵- کلمه بودن عیسی ^(ع)	سی

۵-۲- عیسیٰ ازلی	سی و یک
۵-۳- رؤیت عیسیٰ بجای رؤیت خدا	سی و یک
۶- کلمه بودن مسیح به روایت قرآن	سی و یک
پایان سخن	سی و دو
منابع	سی و پنج

پاسخی درخور به مسئله الوهیت عیسی^(ع) با استناد به انجیل

ابوحامد محمد غزالی

(۶۴-۱)

۱	[مقدمه]
۷	[تفسیر فقراتی از انجیل یوحنا و مرقس]
۲۵	[مسئله اتحاد به روایت سه فرقه مسیحی]
۳۷	[القاب عیسی ^(ع) در کلام مسیحیان]
۴۲	[تفسیر سه فقره از انجیل یوحنا]
۵۷	[کلمه بودن مسیح به روایت قرآن]

الردّ الجمیل لالهیه عیسیٰ بصریح الإنجیل

تألیف الشیخ الإمام حجة الإسلام أبی حامد الغزالی محمد بن محمد بن محمد

(۶۵-۱۱۷)

۱۱۹	الردّ الجمیل: محتوا و نویسنده آن / ماها الکایزی-فریموث
۱۲۱	هویت مؤلف الردّ الجمیل
۱۲۴	منابعی که الردّ الجمیل را در زمره آثار غزالی قرار داده‌اند
۱۲۷	نگرش نویسنده الردّ الجمیل نسبت به کتاب مقدس
۱۳۰	ادله‌ای در صحت انتساب الردّ الجمیل به غزالی
۱۳۴	الردّ الجمیل و تهافت الفلاسفه
۱۳۵	الردّ الجمیل و مکتوبات عرفانی غزالی
۱۳۸	ادله‌ای در ردّ انتساب الردّ الجمیل به غزالی
۱۴۴	الردّ الجمیل در چه زمانی تألیف شد؟
۱۴۷	نویسنده الردّ الجمیل کیست؟

پیوست: بخشی از الردّ الجمیل به نقل از رساله ابن طيّب	۱۵۱
یادداشت‌های مؤلف	۱۵۵
جایگاه الردّ الجمیل در میان ردّیه‌های مسلمانان بر مسیحیت / مارک بومانت	۱۶۱
۱. معجزات عیسی	۱۶۴
۲. اثبات پیامبری عیسی بر مبنای اناجیل	۱۶۷
۳. نقد دیدگاه یعقوبیان درباره اتحاد	۱۸۱
۴. نقد دیدگاه ملکیان درباره دو طبیعت انسانی و الهی در عیسی	۱۸۷
۵. نقد دیدگاه نسطوریان درباره اتحاد در اراده	۱۹۳
۶. القاب عیسی بر طبق روایات مسیحی	۱۹۹
۷. تفسیری مسیحی از قرآن	۲۰۸
نتیجه	۲۱۲
یادداشت‌های مؤلف	۲۱۵
نمایه‌ها	۲۲۳
۱. آیات و احادیث	۲۲۵
۲. نمایه عام (اشخاص، جای‌ها، کتاب‌ها، اصطلاحات و ...)	۲۲۷
۳. عبارات کتاب مقدّس	۲۳۲
منابع	۲۳۵

مقدمه

رساله پیش رو، رساله‌ای کلامی است، منسوب به ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق). موضوع این رساله به‌روشنی در عنوانش نمود یافته است: الرَّدُّ الْجَمِيلُ لِلْهَيْئَةِ عِيسَى بِصَرْيَحِ الْإِنْجِيلِ (پاسخی درخور به مسئله الوهیت عیسی^(ع) با استناد به انجیل). مسئله «الوهیت عیسی»، چنانکه در ادامه بدان اشاره خواهیم کرد، یکی از مهم‌ترین مسائل در الهیات مسیحی است که از آغاز تاریخ مسیحیت آراء مختلفی درباره آن مطرح شده و به بروز انشقاق در این دین دامن زده است. از سوی دیگر، تفاوت روایت قرآن مجید در این باره، با روایت مذاهب رسمی مسیحی، سبب شد که از سده‌های نخستین تاریخ اسلام، مناقشاتی میان مسلمانان و مسیحیان در این باب در بگیرد. نویسنده این رساله می‌کوشد راه حلی برای این معضل ارائه دهد، او روایت اناجیل را معتبر می‌شمارد، اما تفسیر علمای مسیحی از آن را خطا می‌خواند. بدین ترتیب، به زعم خود، مقارنه‌ای میان قرآن و اناجیل برقرار می‌سازد. نویسنده رساله، از کتاب مقدس مسیحیان فقراتی را نقل می‌کند و آن فقرات را مطابق با اصول اعتقادی اسلامی شرح می‌دهد. او چنان به اناجیل استناد می‌کند که گروهی گمان کرده‌اند که نویسنده رساله از مسیحیان جدیدالاسلام بوده است.^۱ او از عیسی^(ع)، پولس و یوحنا با احترام یاد می‌کند و سخنان آن‌ها را با باورهای خویش همسو می‌داند، اما آن‌جا که سخن از علمای مسیحی به میان می‌آید لحن کلامش نیش‌دار و تلخ می‌شود و بی‌هیچ‌گونه ملاحظه‌ای زبان به ناسزا می‌گشاید.

با این حال، به نظر می‌رسد که نویسنده رساله بایی را برای گفتگو میان مسلمانان و

۱. نک پیوست ۱: «الرَّدُّ الْجَمِيلُ: محتوا و نویسنده آن».

مسیحیان گشوده است. باید توجه داشته باشیم که هر دینی بر پاره‌ای مفروضات ابتناء دارد که پذیرش آن دین در گروی قبول آن‌هاست. یکی از مهم‌ترین این مفروضات وثاقت متن دینی است، از این رو، متن دینی نزد پیروان غالب ادیان وجه قدسی یافته است، بی‌توجهی به این پیش‌فرض امکان هرگونه مفاهمه و گفت‌وگو را میان پیروان ادیان مختلف از بین می‌برد و باب حرمت‌شکنی و دشمنی را از هر دو سو می‌گشاید. رساله الرَّدُّ الْجَمِيلُ از این حیث رساله‌ای جالب است، مؤلف رساله اگرچه اصول اعتقادی سه مذهب مسیحی را مردود می‌شمارد، اما اعتبار اناجیل را مخدوش نمی‌کند، بلکه برعکس از حُسن بیان آن سخن می‌گوید و از درستی کلامش تمجید می‌کند. مؤلف فقط تفسیر پیروان آن سه مذهب را از این متن خطا می‌داند، نه خود آن را، و به این ترتیب، به نظر می‌رسد که به‌جای «تحریف لفظی» از «تحریف معنوی» سخن گفته است.

الوهیّت عیسی

برای فهم بهتر این رساله نیاز است که به سابقه اعتقاد به «الوهیّت عیسی» نگاهی گذار بیاندازیم. بنا به روایت انجیل، عیسی مسیح به دست مقامات رومی مصلوب شد (حدود سال ۳۰ یا ۳۳ میلادی) و آنان پیکر بی‌جان او را در گور نهادند، اما سه روز بعد، هنگامی که چند زن به مقبره او رفتند، گور را خالی یافتند. مجموعه وقایع بعدی آن زنان و دیگر پیروان عیسی را مجاب کرد که او زنده است. آنان این پیروزی مسیح بر مرگ را به منزله تأیید خداوند در نظر گرفتند و با شور و اشتیاق به گسترش تعالیم او مبادرت کردند. به تدریج بر شمار یهودیانی که جذب این تعالیم می‌شدند افزوده شد و پیروان مسیح به‌صورت فرقه‌ای مجزا، راه خود را از سنت یهودی جدا کردند. در سال ۶۶ میلادی یهودیان بر ضد امپراتوری روم دست به شورش زدند. رومی‌ها به منظور سرکوب شورشیان، اورشلیم را به‌کلی ویران کردند. تمام ساکنان شهر، از جمله مسیحیان، به‌ناچار از شهر گریختند. از قضا، واقعه ناگوار تخریب معبد (سال ۷۰ میلادی) سبب شد بذر مسیحیت به نواحی اطراف پخش شود، تا آن‌جا که غیر یهودیان نیز جذب پیام عیسی شدند و خیلی زود شمار غیر یهودیان مسیحی از یهودیان بیشتر شد و از این‌جا مسیحیت به شکل دینی مستقل درآمد.^۱

۱. نک. کاکس، هاروی، مسیحیت، ترجمه محمد رضا عدلی، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۴۰۳، ص ۲۶-۲۷.

اما پیش از این واقعه پولس رسول (در گذشت حدود ۶۵ میلادی) زمینه را برای گسترش مسیحیت مهیا کرده بود. پولس که پیشینه‌ای یهودی - رومی داشت توانست تعالیم مسیح را به شکلی ارائه دهد که برای غیر یهودیان نیز مقبول باشد. او بیش از هر چیزی بر موضوع «قیام مسیح از مردگان» تأکید می‌کرد. جماعت‌های اولیه مسیحی این «مسیح برخاسته» را کریوس^۱ می‌خواندند که لفظی یونانی است، به معنی «پروردگار» و «رب» و در ترجمه یونانی عهد عتیق به جای کلمه «یهوه» به کار رفته است. از سوی دیگر، در امپراتوری روم، تنها دین مورد تأیید حکومت کیش پرستش امپراتور بود و مأموران امپراتور اتباع خود را وادار می‌کردند که به خدایی او اقرار کنند و مناسکی را برای تکریم او برگزار نمایند. از این جا تقابل میان مسیح و قیصر به شکلی آشکار درآمد. جماعت کوچک مسیحی برخلاف میل مأموران حکومتی به جای قیصر، مسیح را خدا می‌دانستند و بر سر این باور خود هر رنج و محنتی را به جان می‌خريدند.^۲ اما آیا پولس و جماعت‌های اولیه مسیحی، عیسی را به‌راستی خدا می‌دانستند؟ ولفسن در پاسخ به این پرسش می‌گوید:

هنگامی که پولس، مسیح ازلی را موجودی به‌صورت خدا و بنابراین برابر با خدا دانست، مقصود او لزوماً این نبود که او دارای ماهیت ذاتی خدا بود و لذا خداست. ممکن است او صرفاً روایت یهودی را منعکس کرده باشد، این که مسیحا را باید «یهوه» یعنی «خداوند» نامید. ... در مورد یوحنا نیز شواهد و ادله متقنی مبنی بر این که وی معتقد بود «لوگوس» خدا، به معنی حقیقی کلمه است، در دست نیست. این امر که در اواخر قرن چهارم میلادی در مسیحیت کسانی وجود داشتند که با پذیرش رساله‌های پولس و انجیل یوحنا همچنان علیه الوهیت مسیح ازلی احتجاج می‌کرده‌اند نشان‌دهنده آن است که در نوشته‌های پولس و یوحنا چیزی وجود نداشته است که بتوان آن را شاهدی قطعی بر خدا بودن مسیح ازلی، به معنای دقیق کلمه، در نظر گرفت.^۳

1. Kyrios

۲. همان، ص ۳۰-۳۷.

۳. ولفسن، هری اوسترین، فلسفه آبی کلیسا، ترجمه علی شهبازی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹، صص ۳۳۹-۳۴۰.

به هر روی، باور به الوهیت عیسی به تدریج پررنگ تر شد. در اوایل قرن چهارم میلادی واقعه‌ای رخ داد که در پی آن جریان تاریخ به نفع مسیحیت تغییر کرد. در این زمان کنستانتین اول، قیصر روم، مسیحی شد و مسیح را نجات‌بخش امپراتوری روم خواند. مهم‌ترین اقدام کنستانتین پس از مسیحی شدن، ابلاغ فراخوانی برای تشکیل نخستین شورای جهانی کلیسایی بود. او با این اقدام هم مقاصد دینی و هم اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کرد و می‌خواست مناقشات داخلی فرقه‌های مسیحی را فرونشاند تا مسیحیت به نیرویی وحدت‌بخش در سراسر امپراتوری بدل شود. در آن زمان اختلاف آرا میان فرقه‌های مختلف مسیحی فراوان بود. مهم‌ترین موضوع مورد مناقشه مسئله منزلت عیسی و اتحاد عیسی با خداوند بود. پرسش این بود که میان آن خدایی که مسیحیان او را به صورت مسیح برخاسته ستایش می‌کردند و خدایی که جهان را آفرید چه نسبت و رابطه‌ای برقرار است؟ آیا عیسی کاملاً با خدای متعال یکی است یا او چیز دیگری است، مثلاً شخصیتی نیمه الوهی؟ در پاسخ به این پرسش‌ها آرای مختلفی مطرح شد و بر اساس آن فرقه‌ها یا مذاهب مختلف در مسیحیت شکل گرفت. در شورایی که تحت نظارت کنستانتین در شهر نیقیه برگزار شد (در سال ۳۲۵ م) اعلام شد که عیسی با خدا هم‌ذات است. بنابراین منزلتی برابر با خدا دارد. پس از این شورا، مسیحیان به چند گروه تقسیم شدند: نخست طرفداران شورای نیقیه؛ دوم طرفداران اوریگن^۱ (د ۲۰۲ م) که مسیح را پسر ازلی خداوند و نامخلوق می‌دانستند، اما او را هم‌رتبه با خدا در نظر نمی‌گرفتند و منزلت او را پائین‌تر از خدای متعال تلقی می‌کردند. گروهی نیز طرفدار آریوس^۲ (د ۳۳۶ م) بودند که اساساً مسیح را مخلوق و لذا غیرالوهی به شمار می‌آوردند. در مقابل، گروهی نیز منکر وجه انسانی عیسی بودند. این افراد به تأسی از آپولیناریس^۳ (د ۳۹۰ م) معتقد بودند که «کلمه» در عیسی جایگزین نفس انسانی شده است و لذا منکر انسانیت عیسی بودند. از سویی دیگر، نستوریوس^۴ (د ۴۵۱ م) اگرچه به وجود دو طبیعت انسانی و الوهی در عیسی باور داشت، اما معتقد بود که

1. Origen

2. Arius

3. Apollinaris

4. Nestorius

عیسی نخست به صورت انسان از مریم متولد شد اما پس از آنکه «کلمه خدا» در او منزل کرد، اتحادی میان اراده عیسی و مشیت خداوند برقرار شد. سیریل^۱ (د ۴۴۴ م) با آرای نسطوریوس به شدت مخالف بود و معتقد بود عیسی انسانی نبود که کلمه خدا در او ساکن شده باشد، بلکه او کلمه ازلی خداست که جسم شد، بنابراین از آغاز خدا بود و مریم عذرا نیز «مادر خدا» بوده است. طرفداران سیریل از اندیشه «تک طبیعتی»^۲ دفاع می کردند، زیرا که از نظر سیریل تجسّد، اتحادی حقیقی و دائمی میان لاهوت و ناسوت پدید آورد؛ یعنی «یک طبیعت متجسّد کلمه الهی» که سیریل بدان «وحدت اقنومی» می گفت.^۳ البته این اتحاد آن گونه که ائوتوخس^۴ (د ۴۵۶ م) می گفت طبیعتی جدید را به وجود نیاورد. زیرا وی معتقد بود که آمیزش لاهوت و ناسوت در عیسی به وجهی بوده است که در نتیجه آن «چیزی جدید»^۵ حاصل شد که اگرچه خصوصیات لاهوت و ناسوت را دارد، با آن دو یکسان نیست. در نهایت به فرمان امپراتور مارسیان در سال ۴۵۱ م شورایی در شهر کالسِدون (در نزدیکی قسطنطنیه) تشکیل شد که در آن مفاد شورای نقیه مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و آرای سایر فرقه ها بدعت و مردود خوانده شد. مصوبه این شورا درباره الوهیت مسیح از این قرار است:^۶

پروردگار ما عیسی مسیح در الوهیت و انسانیت کامل است، حقیقتاً خدا و حقیقتاً انسان است. ... او مولود ازلی خدای پدر است که از مریم باکره، مادر خدا، به شکل انسان زاده شد. ... او دو طبیعت دارد که اختلاط بدان راه ندارد،

1. Cyril

۲. لفظ میافیزیت (Miaphysite) به معنی «تک طبیعت» برگرفته از رساله های سیریل است. اما لفظ مونوفیزیت (Monophysite)، که آن هم به معنی «یک طبیعت» است لقبی است که مخالفان این اندیشه به طعنه بر پیروان سیریل اطلاق می کردند. طرفداران ائوتوخس را نیز مونوفیزیت ها می خواندند.

۳. مسیحیان یعقوبی این اتحاد را با موضوع تعلق نفس به بدن مقایسه می کردند. یعنی همان طور که انسان مرکب از دو جزء متفاوت (نفس و بدن) است، ولی در عین حال یک موجود (یعنی انسان) خوانده می شود، مسیح نیز دارای دو طبیعت متفاوت (لاهوته و ناسوته) است ولی یک موجود است (که آن موجود را مسیح نامیده اند).

4. Eutyches

۵. یا به تعبیر نویسندۀ الرّدّ الجمیل، «شیء ثالث»

6. See Lane, Tony, *Christian Thought*, Lion Publishing, England, 1984, pp. 28-52.

[این دو طبیعت] نه تغییر می‌کنند، نه از هم فاصله می‌گیرند و نه منفک می‌شوند.^۱

بنابراین اتحاد دو طبیعت الوهی و انسانی در عیسی به صورت یک اصل اعتقادی درآمد و در چند شورای دیگر نیز بر لزوم پابندی و اعتقاد بدان تأکید گشت. با این حال، بسیاری از مسیحیان از همان دوران تاکنون این تعابیر را نپذیرفتند و دیدگاه‌های دیگری در این باره داشته‌اند. به هر روی، عالمان اولیه مسیحی آموزه‌های عهد جدید را با تعالیم فلاسفه در آمیختند و پیکره اصلی الهیات مسیحی را به وجود آوردند. چنانکه ولفسن می‌گوید:

الهِدَانَانِ وَ أَبَايَ أَوَّلِيَّةِ مَسِيحِي «پسر خدا بودن» مسیح را به گونه‌ای تفسیر کردند که مسیح دیگر از نظر آنان مخلوق خدا نبود، بلکه فرزند او بود و با افزودن چاشنی فلسفه به این باور جدید، ادله‌ای برای خدا بودن مسیح مطرح کردند. مثلاً آگوستین جمله ارسطو «انسان، انسان می‌زاید» را در احتجاج علیه ماکسیمینوس آریوسی بیان کرد ... بنابراین این سخن پولس که مسیح «برابر با خدا» است و سخن یوحنا که «لوگوس خدا بود» به تأثیر از این برداشت دگرگون شده از منشأ مسیح ازلی، حمل بر معنای لفظی و ظاهری شد.^۲

جالب است که این توصیف ولفسن از الهیات مسیحی کاملاً با برداشت نویسنده الرَّدُّ الْجَمِيلِ قرابت دارد. او نیز معتقد است که علمای مسیحی با توسل به آرای فلسفی تفسیری ظاهری از اناجیل ارائه دادند. در الرَّدُّ الْجَمِيلِ از میان نظریه‌های مختلف درباره اتحاد لاهوت و ناسوت در عیسی، سه نظریه مطرح شده است: نخست دیدگاه تک طبیعتی‌ها که از آنان با عنوان «یعقوبیان» یاد شده است. دوم دیدگاه طرفداران شورای کالسِدون یا طرفداران امپراتور (مَلِک) که از آنان با عنوان «ملکیان» یاد شده است. سوم آرای «نسطوریان» که معتقد به اتحاد در اراده بودند.^۳

1. Ibid. p.51.

۲. ولفسن، همان، ص ۳۴۱.

۳. در منابع عربی از این سه فرقه با عنوان یعقوبیه، ملکیه/ملکانیه و نسطوریه یاد شده است. برای توضیح بیشتر درباره تاریخچه این سه فرقه نک پیوست ۲: «جایگاه الرَّدُّ الْجَمِيلِ در میان رده‌های مسلمانان بر مسیحیت».

نسخه‌های خطی الرد الجمیل و هویت مؤلف آن

پیش از آنکه با جزئیات بیشتری به محتوای الرد الجمیل بپردازیم، نخست لازم است درباره نویسنده و نسخه‌های خطی این رساله سخن بگوئیم. در سال ۱۹۳۲ م، لویی ماسینیون دو نسخه از این رساله را در کتابخانه ایا صوفیه استانبول یافت (به شماره‌های ۲۲۴۶ و ۲۲۴۷) که بر روی صفحه نخست هر دو نسخه نام ابوحامد غزالی به عنوان مؤلف رساله ذکر شده است. ماسینیون در مقاله‌ای مفصل این رساله را معرفی و از انتساب آن به غزالی دفاع کرد.^۱ نسخه‌های ایا صوفیه، تا مدتها منبع اصلی دانشمندان غربی برای تتبع درباره این رساله بودند. چنانکه ماسینیون، کشیش فرانسوی روبرت شیدیاک را تشویق کرد که تصحیحی بر مبنای آنها منتشر نماید. شیدیاک، در سال ۱۹۳۹ م، به توصیه ماسینیون جامعه عمل پوشاند و متن را تصحیح و به زبان فرانسوی ترجمه کرد.^۲ ظاهراً آنگونه که سی ئی پادویک در حاشیه مقاله‌اش اشاره می‌کند، در همان سال کی هنری^۳ نیز در بیروت الرد الجمیل را به انگلیسی ترجمه کرده بود^۴، اما ظاهراً این ترجمه هرگز منتشر نشد. جی دابلیو سوئیتمن در سال ۱۹۴۵ م، در کتاب اسلام و الهیات مسیحی خود، گزارش مبسوطی از این رساله ارائه داد.^۵ ای جی آربری نیز در سال ۱۹۶۴ م، فقراتی از این رساله را در کتابش، وجوه تمدن اسلامی، به انگلیسی ترجمه کرد.^۶ در سال ۱۹۶۶ م، فرانتس المار ویلمس ترجمه آلمانی الرد الجمیل را به طبع رساند^۷ و در سال ۱۹۷۳ م عبدالعزیز عبدالحق حلمی، متن الرد الجمیل را به همراه مقدمه‌ای مفصل در اثبات صحت انتساب رساله به غزالی، در قاهره، منتشر کرد.^۸ در سال ۱۹۸۶ م، محمد شرقاوی تصحیح دیگری بر مبنای تصحیح شیدیاک

1. L. Massignon, 'Le Christ dans les Evangiles selon al-Ghazālī', *Revue des Études Islamiques* 6, 1932, pp. 523–536.

2. Abū Ḥamid al-Ghazālī, *Al-Radd al-jamīl li-ilāhiyyat 'Īsā bi-ṣarīḥ al-Injīl*, ed., and trans., R. Chidiac, Paris, 1939.

3. K. Henrey

4. C. Padwick, 'Al-Ghazali and the Arabic Versions of the Gospels: an Unsolved Problem' *The Moslem World* 29, 1939, p. 132.

5. J.W. Sweetman, *Islam and Christian Theology*, part 2, vol. 1, London, 1945.

6. A.J. Arberry, *Aspects of Islamic Civilization*, London, 1964, pp. 300–307.

7. F. E. Wilms, *Al-Ghazālī's Schrift wider die Gottheit Jesu*, Leiden, 1966.

۸. ابوحامد غزالی، الرد الجمیل لالهیه عیسی بصریح الإنجیل، تحقیق عبدالعزیز عبدالحق حلمی، قاهره،

نشر داد.^۱ در سال ۱۹۹۹ م دانی بن منیر آل زهوی و ابوعبدالله سلفی بار دیگر این متن را تصحیح و منتشر کردند.^۲ در این اثنا، نسخهٔ سومی هم از این رساله در کتابخانهٔ دانشگاه لایدن پیدا شد (به شمارهٔ OR828). در سال ۲۰۱۶ م مارک بومان و ماها الکایزی - فریموث الردّ الجمیل را با در نظر گرفتن این نسخهٔ سوم بار دیگر تصحیح و به همراه ترجمه آن به زبان انگلیسی منتشر کردند.^۳ همهٔ چاپ‌های پیشین الردّ الجمیل مبتنی بر دو یا سه نسخهٔ خطی بوده‌اند. ما، در این کتاب، از نسخهٔ دیگری نیز استفاده کرده‌ایم (نسخهٔ استاد همائی) و تفاوت آن را با سه نسخهٔ دیگر نشان داده‌ایم. در اینجا به معرفی این چهار نسخه می‌پردازیم:

کهن‌ترین نسخه، نسخه‌ای است متعلق به کتابخانهٔ ایاصوفیه، به شمارهٔ ۲۲۴۷ که با حرف اختصاری «س» از آن یاد می‌شود. این نسخه به خط نسخ بسیار واضح مکتوب شده است. رسم‌الخط آن تابع خط «عربی میانه»^۴ است، چنانکه در این نسخه حرف همزه به صورت «یاء» نوشته شده (مثلاً طایفه به جای طائفه) و حرف «یاء» و «الف» ممدوده نیز در پاره‌ای از موارد محذوف است (مثلاً تلامذه به جای تلامیذ، ثلثه به جای ثلاثه). در نسخه «س»، رسالهٔ دیگری نیز به الردّ الجمیل ضمیمه شده است، رسالهٔ شفاء العلیل فیما وقع فی التوراة و الانجیل منسوب به استاد غزالی، امام الحرمین ابوالمعالی جوینی (د ۴۷۸ ق). سبک کتابت دو رساله مشابه است و بر این اساس می‌توان حدس زد که هر دو احتمالاً به قلم یک کاتب مکتوب شده‌اند. در انجامهٔ شفاء العلیل نام کاتب و تاریخ کتابت رساله چنین ذکر شده است: محمد بن عیسی بن عبدالقادر شافعی، بیستم ذی القعدة سال ۶۷۲ ق، قاهره. بنابراین این نسخه حدود ۱۶۷ سال پس از وفات غزالی کتابت یافته است.^۵

۱. ابوحامد غزالی، الرد الجمیل لالهیه عیسی بصریح الإنجیل، تحقیق محمد عبدالله الشرقاوی، قاهره، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م.

۲. ابوحامد غزالی، الرد الجمیل لالهیه عیسی بصریح الإنجیل، تحقیق دانی بن منیر آل زهوی و ابوعبدالله سلفی، بیروت، ۱۴۲۰ ق/۱۹۹۹ م.

3. Mark Beaumont and Maha El Kaisy-Friemuth (eds. & trans.), *al-Radd al-jamīl-A Fitting Refutation of the Divinity of Jesus*, Leiden ; Boston : Brill, 2016.

4. Middle Arabic

5. Mark Beaumont and Maha El Kaisy-Friemuth (eds. & trans.), *al-Radd al-jamīl-A Fitting Refutation of the Divinity of Jesus*, Leiden ; Boston : Brill, 2016, p. 80.

نسخه استاد همائی (نسخه «ه») به لحاظ قدمت در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۹م، یعنی ده سال پس از چاپ نسخه شیدیاک، جلال الدین همائی، نسخه‌ای خطی از این رساله را در اختیار داشته است. این نسخه متعلق به خود استاد همائی بود^۱ که در سال ۱۳۸۵ش از خانواده ایشان خریداری شد و اکنون در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (به شماره ۳/۲۰۰۴-۵) نگهداری می‌شود. نسخه همائی، مجموعه‌ای مفصل است مشتمل بر ۲۲ رساله (۵۱۶ برگ)، که رساله الرد الجمیل در برگ‌های ۱۲ تا ۴۱ آن مکتوب شده، البته نام یا عنوان رساله ذکر نشده است. رساله اینگونه آغاز می‌شود: «قال الامام الاوحد العلامة ابي حامد الغزالی رحمة الله عليه، اما بعد حمدالله...» استاد همائی این رساله را «رساله امام محمد غزالی در رد نصاری» خوانده است. رساله دیگری نیز در رد نصاری در این مجموعه وجود دارد، رساله‌ای به قلم تقی‌الدین ابوالبقاء صالح بن حسین^۲ (د ۶۶۸ ق). همچنین رساله کوتاه دیگری از غزالی، موسوم به «خطبة توحیدیه»، در این مجموعه مندرج است که استاد همائی درباره آن می‌گوید «این رساله بسیار عالی است... و به عقیده نگارنده می‌توان آن را یکی از رساله‌های کوچک عربی غزالی محسوب داشت».^۳ «خطبة توحیدیه» بلافاصله بعد از الرد الجمیل قرار دارد (برگ‌های ۴۸-۵۱)، و هر دو رساله ظاهراً به قلم یک کاتب کتابت یافته‌اند. در انجامه «خطبة توحیدیه» نام کاتب و تاریخ کتابت آن ذکر شده است: احمد بن محمد بن محمد بن احمد مصری، ۱۷ رمضان، سال ۸۶۹ ق.

نسخه بعدی متعلق به کتابخانه لایدن است (نسخه «ج»). این نسخه نسبت به نسخه

۱. در صفحه نخست نسخه استاد همائی نوشته است که آن را در سال ۱۳۲۷ش از شخصی به نام شیخ احمد بنان اصفهانی به قیمت پانصد تومان خریده است.

۲. صالح بن حسین از علمای ساکن مصر بود که دورساله دیگر نیز در رد آرای یهودیان و مسیحیان دارد. تخریج من حرف التوراة و الإنجیل و البیان الواضح المشهود من فضائح النصاری و اليهود (نک. ابوالبقاء صالح بن حسین جعفری هاشمی، تخریج من حرف التوراة و الإنجیل، تحقیق محمود عبدالرحمن قدح، المملكة العربية السعودية).

۳. همائی، جلال الدین، غزالی‌نامه، تهران، نشر هما، ۱۳۶۸، ص ۲۵۴.

«ه» خواناتر است و ضبط برخی از عبارات در این نسخه مشابه با آن چیزی است که در نسخه «ه» آمده است. همچنین این دو نسخه افتادگی‌های مشابهی هم دارند. از این رو، می‌توان از وجود قرابتی میان این دو نسخه سخن گفت. نسخه «ج» مشتمل بر ۴۲ برگ است و از عنوان رساله و نام نویسنده آن در این نسخه نشانی نیست. تاریخ کتابت آن سال ۱۰۶۱ ق بوده است.^۱

نسخه بعدی هم متعلق به کتابخانه ایا صوفیه است، به شماره ۲۲۴۶ (نسخه «ب»). با توجه به خط نسخ ترکی این نسخه، تاریخ کتابت آن را مربوط به قرن ۱۲ یا ۱۳ ق دانسته‌اند.^۲ این نسخه مشتمل بر ۵۴ برگ است که به همراه چند رساله دیگر غزالی و رساله شفاء العلیل امام الحرمین در یک مجلد صحافی شده است. در انتهای هیچ‌یک از این رساله‌ها انجامه‌ای وجود ندارد. از مقایسه نسخه «س» و «ب» می‌توان دریافت که نسخه «ب» براساس نسخه «س» کتابت یافته است. چنان‌که دو اشتباه در ضبط آیات قرآن عیناً در هر دو رساله تکرار شده است. البته نسخه «ب» در همه موارد از نسخه «س» تبعیت نمی‌کند. بنابراین باید گفت که احتمالاً نسخه‌های دیگری نیز از این رساله وجود داشته است که امروزه بدان‌ها دسترسی نداریم.^۳ در نسخه «ب» نیز، مانند نسخه «س» و «ه»، نام ابوحامد محمد غزالی به عنوان نویسنده رساله ذکر شده است.

افزون بر این‌ها، در یک متن قرن هفتمی نیز بخش‌هایی از الرَّدُّ الْجَمِيل نقل شده است، در رساله‌ای با عنوان مقاله فی الرد علی المسلمین الذین یتَّهمون النصرانی بالاعتقاد بثلاثه آلهة تألیف کشیش قبطی، ابوالخیر ابن طیب (د ح ۶۶۸ ق/ ۱۲۷۰ م). ابن طیب نیز ابوحامد غزالی را نویسنده این رساله خوانده است.^۴

۱. در صفحه آخر نسخه (برگ ۲۳ ب) تصریح شده است «سنة احدى وستين و الف» با این حال در چاپ بریل به خطا تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۶۵ ق ذکر شده است و عجیب‌تر اینکه این تاریخ را برابر با سال ۱۶۸۵ م دانسته‌اند (p.80) در حالی که سال ۱۰۶۱ ق برابر با ۱۶۵۱ م و سال ۱۰۶۵ ق برابر با سال ۱۶۵۵ م است.

2. Mark Beaumont and Maha El Kaisy-Friemuth (eds. & trans.), *al-Radd al-jamil-A Fitting Refutation of the Divinity of Jesus*, Leiden ; Boston : Brill, 2016, p. 80.

3. Ibid.

۴. نک پیوست ۱: «الرَّدُّ الْجَمِيل: محتوا و نویسنده آن».

با این حال، جمعی از پژوهشگران دربارهٔ صحت انتساب این رساله به غزالی تشکیک کرده یا به کلی این انتساب را مردود دانسته‌اند. چنانکه اشاره شد، لوئی ماسینیون کاملاً مطمئن بود که مؤلف این رساله غزالی است. علاوه بر او، گروهی دیگر از محققان نیز این رساله را در عداد مکتوبات یا ملفوظات غزالی به شمار آورده‌اند. از جمله، روبرت شیدیاک، جیمز ویندرو سوئیتمن، آرتور آربری، فرانتس المار ویلمس، عبدالعزیز عبدالحق حلمی و محمد شرقاوی. جلال الدین همائی نیز با توجه به نسخه‌ای که در دست داشت، این رساله را در زمره آثار غزالی قرار داده است. اما عبدالحسین زرین کوب، در این باره با اطمینان سخن نگفته است، هرچند که با توجه به ارتباط احتمالی غزالی با راهبان و کشیشان مسیحی در شام، فلسطین، عراق و حتی خراسان، انتساب الردّ الجمیل به غزالی را بعید نمی‌داند.^۱ از سویی دیگر، گروهی از پژوهشگران، غزالی را مؤلف این رساله نمی‌دانند. از جمله نخستین کسانی که در این باره ادله‌ای را مطرح کرده، هاوا لازاروس یافه است.^۲ پس از وی گابریل رینالدز^۳، اینس پتا^۴ و مارتین ویتینگام^۵ راه او را ادامه دادند. دلایل اصلی مخالفان انتساب رساله به غزالی این است: ۱. غزالی در هیچ رساله دیگرش نامی از الردّ الجمیل نیاورده است، ۲. سبک و سیاق نگارش این رساله با سایر آثار غزالی فرق دارد، ۳. نویسنده رساله با تورات و انجیل بسیار آشنا است، این میزان آشنایی با کتاب مقدس در سایر آثار غزالی دیده نمی‌شود، ۴. از آشنایی مؤلف با مسیح‌شناسی قبطی چنین به نظر می‌رسد که مؤلف رساله مصری بوده یا مدتی در مصر به سر برده است، ۵. یک جمله به زبان قبطی و دو جمله به زبان عبری در این رساله از انجیل و تورات نقل شده است، در حالی که از سایر آثار غزالی بر نمی‌آید که او با این زبان‌ها آشنا بوده است.

۱. زرین کوب، عبدالحسین، فرار از مدرسه، تهران، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۸۳.

2. H. Lazarus-Yafeh, *Studies in al-Ghazzālī*, Jerusalem, 1975, pp. 459–461.

3. G.S. Reynolds, 'The ends of *Al-Radd al-Jamīl* and its portrayal of Christian Sects', *Islamochristiana* 25, 1999.

4. I. Peta, 'Il Radd pseudo-ghazaliano: Paternità, Contenuti, Traduzione', *Officina di Studi Medievali, Collana Machina Philosophorum*, Palermo, 2010.

5. M. Whittingham, 'The value of *taḥrīf ma'nawī* (corrupt interpretation) as a category for analysing Muslim views of the Bible: evidence from *Al-radd al-jamīl* and Ibn Khaldūn', *Islam and Christian-Muslim Relations* 22, 2011, pp. 209–222.

با این حال، هیچ یک از این ادله قطعی و یقین آور نیستند، بلکه برعکس برخی از آنها بسیار سست به نظر می‌رسند. نظیر دلیل پنجم که آوردن یک جمله بیگانه را دالّ بر آشنایی مؤلف با آن زبان در نظر گرفته‌اند، در حالی که در آثار جدلی کهن‌تر نیز جملاتی مشابه نقل شده و ممکن است مؤلف این جملات را از کتب علمای مسلمان نقل کرده باشد.^۱ فرانتس المار ویلمس و ماها الکایزی-فریموث به غالب این اشکالات پاسخ داده‌اند.^۲ مثلاً در خصوص مورد نخست گفته‌اند، غزالی از برخی رساله‌های دیگر خود نیز در سایر آثارش یاد نکرده است و این موضوع فقط به الردّ الجمیل اختصاص ندارد. یا درباره دانش ژرف نویسنده نسبت به کتاب مقدّس گفته‌اند که عادت غزالی این بود که پیش از ردّیه‌نویسی کتاب‌های طرف مقابل را به‌خوبی می‌خواند، چنانکه پیش از تألیف تهافت الفلاسفه، آشنایی نسبتاً ژرفی نسبت به آرای فلاسفه حاصل کرد. یا پیش از ردّ آرای باطنیه آثار اسماعیلیان را به‌دقت خواند. در خصوص اشکال چهارم، یعنی اینکه رساله با محیط مصری مرتبط است، نیز گفته‌اند که ممکن است غزالی در طی اقامتش در مصر این رساله را تألیف کرده باشد. البته سفر غزالی به مصر در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، و درباره وقوع آن تشکیک کرده‌اند. به هر روی، برای آشنایی با آرای یعقوبیان مصر، حاجت نبود که غزالی به مصر سفر کند، زیرا که اندیشه‌های آنان را برخی متکلمان مسلمان، پیش از غزالی، نقل و نقد کرده بودند. افزون بر این، اینکه نویسنده درباره یعقوبیان بیش از دو فرقه دیگر سخن گفته است، لزوماً دالّ بر آشنایی بیشتر او با آرای آنان نیست. این موضوع ممکن است دلایل دیگری داشته باشد، از جمله اینکه، درباره آنان پیش از دو فرقه دیگر سخن گفته است، و در هنگام نقد دو فرقه دیگر تکرار برخی اقوال را ضروری نمی‌دید. یا اینکه اندیشه‌های آنان را نادرست‌تر می‌پنداشت. چنانکه بخش نقد آرای نسطوریان بسیار کوتاه است و به نظر می‌رسد که مؤلف دیدگاه نسطوریان را به اندیشه‌های خود نزدیک‌تر می‌دید.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که از چهار نسخه موجود، بر روی سه نسخه نام

۱. برای آشنایی با سابقه ردّیه‌نویسی در اسلام و میزان متابعت نویسنده الردّ الجمیل از این آثار نک. پیوست ۲:

«جایگاه الردّ الجمیل در میان ردّیه‌های مسلمانان بر مسیحیت».

۲. نک پیوست ۱: «الردّ الجمیل: محتوا و نویسنده آن».

ابوحامد غزالی به عنوان مؤلف رساله آمده و در نسخه چهارم نیز اساساً نام مؤلف و عنوان رساله ذکر نشده است. چنانکه گفته شد، ابن طیب نیز غزالی را مؤلف این رساله خوانده است. افزون بر این، موضوعی که در الردّ الجمیل نظر خواننده آشنا با آثار غزالی را به خود جلب می‌کند این است که بسیاری از مطالب این رساله با سایر آثار غزالی قرابت دارد.^۱ در واقع، الردّ الجمیل کاملاً با جهان فکری غزالی همسو است، نویسنده رساله، تمسک علمای مسیحی به فلسفه را موجب بروز انحرافی جدی در دین مسیحیت می‌داند، لذا تفسیر فلسفی از مسیحیت را مردود می‌شمارد، و به سیاق غزالی در تهافت الفلاسفه، زبان به تکفیر و دشنام «مقلدان فیلسوف (ارسطو)» می‌گشاید. افزون بر این، مؤلف رساله اگرچه مسلمان است، اما گویی به دنبال احیای مسیحیت راستین است و می‌خواهد با تمسک به سنت اصیل انجیلی زنگار فلسفه را از این دین بزداید. این احیاءگری در دو جنبه خود را نشان می‌دهد: یکی اصلاح رأی مسیحیان در باب «الوهیّت مسیح» و دیگری در ارائه تفسیری اسلامی از اصل «تثلیث» و مرتبط کردن آن با صفات الهی.^۲ از این رو، باید بگوئیم دیدگاه غزالی

۱. در پانویس ترجمه رساله به برخی از این شباهت‌ها اشاره شده است، افزون بر آن نک. پیوست ۱: «الردّ الجمیل: محتوا و نویسنده آن».

۲. نویسنده الردّ الجمیل در فقره‌ای سه شخص تثلیث را به مثابه سه صفت برای خداوند در نظر می‌گیرد و می‌گوید: «بنابراین از پدر مفهوم "وجود"، از کلمه و پسر مفهوم "عالم" و از روح القدس مفهوم "علم باری به ذاتش" بر می‌آید. این است معنی این سخن آنان که می‌گویند: "ذات خداوند در موضوع واحد است و به سه اقنوم موصوف"». این نگرش مؤلف به تثلیث یادآور ترجیع‌بند معروف هاتف اصفهانی (د ۱۱۹۸ ق) است:

در کلیسا به دلبری ترسا	گفتم ای جان به دام تو در بند
ای که دارد به تار زُنّارت	هر سر موی من جدا پیوند
ره به وحدت نیافتن تا کی؟	ننگ تثلیث بر یکی تا چند؟
نام حقّ یگانه چون شاید	که آب و این و روح قُدس نهند؟
لب شیرین گشود و با من گفت	وز شکرخند، ریخت از لب قند
که گر از سر وحدت آگاهی	تهمت کافری به ما مپسند

درخصوص بازگشت به سنتِ اصیل، آنگونه که در احیاء علوم الدین ملاحظه می‌شود، و نفی فلسفه، چنانکه در تهافت الفلاسفه بروز یافته، در این جا به خوبی مشهود است. بر این اساس، تا زمانی که دلیل محکمی در ردّ انتساب این رساله به غزالی در دست نباشد، باید غزالی را مؤلف آن بدانیم.

خلاصه الرَّدُّ الْجَمِيلِ

مطالب الرَّدُّ الْجَمِيلِ چندان منسجم نیست، لذا برای فهم بهتر این رساله، در اینجا خلاصه‌ای از آن را می‌آوریم. این رساله را می‌توان به شش بخش کلی تقسیم کرد:

۱. مقدمه: مسیحیان دو گروه‌اند، عوام و خواص. عوام که اکثریت‌اند هیچ بهره‌ای از علم^۱ ندارند تا به مدد آن بتوانند باورهایشان را با برهان‌های عقلی اثبات کنند. خواص، اندک مایه‌ای از علم دارند، با این حال، مفاهیم عقلی را به درستی فهم نکرده‌اند، بلکه کورکورانه و از سر تقلید برخی اصول را پذیرفته‌اند. از این رو، برای اثبات مسئله اتحاد به رأی «فیلسوف»^۲ درباره تعلق نفس به بدن استناد می‌کنند، درحالی‌که این رابطه را به واسطه هیچ یک از اقسام استدلال نمی‌توان اثبات کرد، زیرا میان ذات خدا و انسان هیچ نسبتی نمی‌توان دایر ساخت. از سوی دیگر، اگر مسیحیان بخواهند مسئله اتحاد را با اشاره به معجزات مسیح اثبات کنند باز هم راه به جایی نمی‌برند، زیرا خودشان هم اذعان دارند که سایر انبیا هم معجزه داشته‌اند و اتیان معجزات در انحصار مسیح نبوده است. افزون بر این، اساساً استناد به رأی فیلسوفان خواه برای توضیح مسئله تعلق نفس به بدن و خواه سایر

→

پرتو از روی تابناک افکند
پرنیان خوانی و حریر و پرنند
شد ز ناقوس این ترانه بلند
وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

در سه آینه، شاهد ازلی
سه نگرده بریشم، ار او را
ما در این گفتگو که از یک سو
که یکی هست و هیچ نیست جز او

۱. مراد از علم به طور خاص علم کلام و فلسفه است.

۲. احتمالاً مراد ارسطو است.